

روش‌شناسی تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی فرکلاف در مطالعات سازمانی و رویدادی هنر

میشم یزدی، دکتری پژوهش هنر

mayyazdi@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱۲/۰۷

پژوهش گفتمانی بر روی نهادها و سازمان‌های هنری با تمرکز بر رویدادهای این مراکز، نیازمند روشی بینارشته‌ای و در عین حال مبتنی بر نظریه و رویکردی مشخص است تا از طریق آن بتوان فرایندها و ساختارهای مبتنی بر قدرت و ایدئولوژی حاکم را روشن کرد. نوشتار حاضر با مسئله و چالش چگونگی بهره‌مندی از روش تحلیل گفتمان انتقادی با تمرکز بر سازمان‌ها و رویدادها، پس از بررسی مبانی روش‌شناختی تحلیل گفتمان سازمانی، بر نظریه فرکلاف متمرکز می‌شود و فرایند گردآوری داده‌ها و روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها را بر مبنای نمونه سازمان‌ها و رویدادهای هنر معاصر ایران تبیین می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که بر مبنای ساختار سه‌گانه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف که هماهنگ با مدل روی باسکار است، با بهره‌گیری از شاخص‌ها و فرایند تحلیل گفتمان سازمانی فرکلاف، می‌توان با استناد به داده‌های آرشیوی همچون اساس‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، فراخوان‌ها و سپس تحلیل بینامتنی و بیناگفتمانی از کردارهای گفتمانی سازمان‌ها و رویدادهای هنری، شاخص‌ها و ناسازه‌های هژمونیک‌سازی یک گفتمان را در حوزه فرهنگ و هنر مشخص کرد.

واژگان کلیدی:

روش‌شناسی، تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف، نهادها و سازمان‌ها، رویدادهای هنری، هنر معاصر.

روش‌شناسی در حوزه پژوهش‌های آکادمیک و حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین شاخص‌های روایی و معتبر بودن این دسته از تحقیقات است. پژوهش آکادمیک تلاشی است بر اساس نظریه و رویکرد مشخصی که از روش‌ها و تکنیک‌های خاصی برای بازنمایی و قابل درک کردن واقعیت یا ابعاد از آن بهره می‌گیرد. این گونه از پژوهش‌ها هر روز بیشتر به سمت فضای بین‌رشته‌ای می‌روند و رویکردهای جدید هم به دنبال علت و هم به دنبال معنا در تحلیل‌های خود هستند. مطالعات میان‌رشته‌ای رویکردی است که پس از آشکار شدن ضعف‌ها و کاستی‌های تخصصی شدن و شعبه‌شعبه شدن علم به رشته‌های ریز ضرورت یافته است. روند مسلط در قرن بیستم رشد تخصصی؛ یعنی رشد و توسعه رویکرد تک‌رشته‌ای بوده، اما در دهه‌های اخیر توجه به رویکرد میان‌رشته‌ای قوت بیشتری یافته است. همگام با پیچیده‌تر شدن دنیا و روابط انسانی، حل مسائل علمی و پژوهشی، روش‌ها و رویکردهای متعددی را فرامی‌خوانند. به عبارتی دیگر، حل مسائل علمی و پژوهشی رشته‌های مرتبط به هم، مطالعات «میان‌رشته‌ای»^۱ را ایجاب می‌کند.

اصطلاح میان‌رشته‌ای را اولین بار در دهه ۱۹۲۰ میلادی اعضای «شورای پژوهش در علوم اجتماعی»^۲ به کار بردند

1. Interdisciplinary Studies
2. Social Sciences Research Council

تا بین رشته‌های علمی مختلف که به واسطه تخصصی شدن، در حال گسستگی روزافزون بودند تلفیق ایجاد شود. مطالعات میان‌رشته‌ای فرایند پاسخ دادن به سؤال، حل مسئله یا پرداختن به موضوعی پیچیده و گسترده است که نمی‌توان به قدر کفایت با یک رشته یا حرفه دانشگاهی به آن پرداخت. از آنجایی که بیشتر مسائل مهم دلایل چندگانه‌ای دارند، مطالعات میان‌رشته‌ای دامنه‌ای از چشم‌اندازها را برای درک جامع‌تر مسائل و چالش‌ها فراهم می‌کند (Klein & Newell, 1997: 3).

یکی از روش‌های بین‌رشته‌ای پژوهش در علوم انسانی و هنر تحلیل گفتمان است که ریشه در جنبش انتقادی ادبیات، زبان‌شناسی (نشانه‌شناسی)، تأویل‌گرایی، هرمنوتیک گادامر و تبارشناسی و دیرینه‌شناسی میشل فوکو دارد. در تحلیل گفتمان مجموعه‌ای از اوضاع اجتماعی، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود. در سطح بالادستی بسترهای فکری شکل‌دهنده به مفاهیم گفتمان همچون پسامدرنیسم، ساختار و پساساختارگرایی و همچنین رویکردهای پسامارکسیستی مطرح است. در این نوشتار به علت اهمیت فوکو به طور مجزا گفتمان در نزد او تشریح می‌شود و دیگر حوزه‌های بالادستی در بستر مباحث میان‌دستی گفتمان نزد فرکلاف که رویکرد نظری این پژوهش بر پایه نظریات آنها استوار است شرح داده خواهد شد. پیش از آن نگاهی به مبانی، تعاریف کلیدی و سیر تاریخی گفتمان خواهیم انداخت.

تحلیل گفتمان

گفتمان^۳ که سابقه آن در برخی منابع به قرن ۱۴ میلادی می‌رسد از واژه فرانسوی dis-koor/discourse و

لاتین discurs-us به معنی گفت و گو و محاوره، گفتار و از واژه discursum/ discuren به معنی طفره رفتن، از سر باز کردن و تعلل ورزیدن گرفته شده است (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۳۷).

فرهنگ انگلیسی آکسفورد، ذیل مدخل گفتمان، تعاریف کاربردی متعددی را ارائه داده است که با توجه به موضوع مورد بررسی، ما تعریف زیر را انتخاب می‌کنیم: «شرح و تفسیر گفتاری (شفاهی) یا نوشتاری (کتبی) یک موضوع، پرداختن به موضوعی به صورت شفاهی یا کتبی که طی آن موضوع مذکور به طور مفصل مورد بررسی قرار می‌گیرد» (مکدانل، ۱۳۸۰: ۱۰-۱۳). ریشه مفهوم discourse را می‌توان در فعل یونانی dis-currer به معنی حرکت سریع در جهات مختلف، دویدن یا سریع حرکت کردن، یافت (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۶).

تعاریف گفتمان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: تعاریف متن محور که گفتمان را نوعی متن (گفتاری یا نوشتاری) می‌دانند. اکثر تعاریف از جمله تعریف کریس بالدیک، الریک مپنهوف، راجر فاولر، میخائیل باختین و غیره از این سنخ هستند. تعاریف نظری و اندیشه محور هم تعاریفی همانند تعریف میشل فوکو، لاکلاو و موف، و یورگنسن و فیلیپس هستند که گفتمان را یک نظام معنایی می‌دانند.

3. discourse

تعاریف دسته اول در زبان‌شناسی و دسته دوم در جامعه‌شناسی رایج هستند (قجری، ۱۳۸۷: ۱۳). در حقیقت گفتمان شکلی از عمل اجتماعی است که منطبق بر رویدادهای خاص و استدلالی را با موقعیت‌ها، نهادها و ساختارهای اجتماعی، که چهارچوب آن رویداد استدلالی است شکل می‌دهد. گفتمان اجتماعی است و همچنین مجموعه‌ای اجتماعی به منزله شرایط، اشیاء، دانش، هویت فردی- اجتماعی و روابط میان مردم است (سرایی، فتحی و زارع ۱۳۸۷: ۸۶). منظور از گفتمان این است که زبان در چهارچوب قالب‌هایی ساختار بندی شده و مردم به هنگام مشارکت در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی در گفتار خود از این قالب‌ها تبعیت می‌کنند. گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن (یا فهم یکی از جوه آن) (Laclau and Mofe, 1985) است. گفتمان‌ها باید تا حدی تثبیت شده باشند چون در غیر این صورت، فراوانی معنا هر گونه معناداری را غیر ممکن خواهد ساخت: «گفتمانی که قادر نباشد معنا را تثبیت کند، گفتمان روان‌پزش است» (Carpentier and Spino, 2008: 3). یورگنسن و فیلیپس گفتمان را از دو منظر بیان و فهم تبیین می‌کنند و معتقدند: «گفتمان عبارت از شیوه خاصی از صحبت کردن درباره جهان (یا درباره بخشی از جهان) و فهم آن است» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱). گفتمان‌ها مجموعه‌ای از کدها، اشیاء و افراد هستند که پیرامون یک نقطه کانونی تثبیت شده‌اند و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از دیگری‌ها به دست می‌آورند. معنا و مفهوم انسان از واقعیت گفتمانی است (مریدی و تقی‌زادگان، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

کاربردهای تحلیل گفتمان

میشل فوکو گفتمان را گاهی حیطه کلی همه گزاره‌ها یا احکام تلقی کرده‌است، گاهی به عنوان مجموعه قابل تمایزی از احکام، و گاهی به مثابه رویه ضابطه‌مندی که شماری از احکام را توضیح می‌دهد. به زعم فوکو گفتمان‌ها موقعیت افراد در نهادها را شکل می‌دهند و از این مسیر اجازه حضور، بیان شدن یا مسکوت ماندن را به سوژه‌ها و ابژه‌ها می‌دهند (سارا میلز، ۱۳۸۸). واژه گفتمان در فارسی را اولین بار، داریوش آشوری در یکی از مقاله‌های خود تحت عنوان «نظریه غربزدگی و بحران تفکر در ایران» به کار برد (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۶).

تحلیل گفتمان توان بررسی چه موضوعات، پدیده‌ها و یا ابعادی را دارد؟ همچنین برای بررسی چه موضوعات و پدیده‌هایی مناسب یا مناسب‌تر از سایر روش‌هاست؟ و به طور عام موضوعات مورد علاقه این روش برای بررسی، چه موضوعاتی هستند؟ از آنجا که تحلیل گفتمان ریشه در معناکاوی دارد و قصد آن کشف معنای نهفته در پدیده‌های اجتماعی است، می‌توان گفت که تحلیل گفتمان برای هر آنچه معنا دارد و قصد ما کشف معنای آن باشد مناسب است و ما می‌توانیم با استعانت از این روش تلفیقی و بین‌رشته‌ای به معنای آنها بهتر از سایر روش‌ها دست یابیم.

به نظر ون دایک تحلیل گران گفتمان انتقادی به جای اینکه صرفاً توجه خود را به رشته خود و نظریه‌ها و الگوهای آن معطوف کند به مسائل مهم اجتماعی توجه می‌کنند، یعنی کار آنها بیشتر مسئله‌محور است تا نظریه‌محور. تحلیل گران گفتمان سعی در فهم و نقد عمیق‌تر نابرابری اجتماعی، از جمله نابرابری‌های دارای مبنای جنسیتی، قومی، طبقاتی، نسبی، مذهبی، زبانی، گرایش‌های جنسی و... دارند. به نظر ون دایک، هدف نهایی تحلیل گران، گفتمان سیاسی و اجتماعی است؛ آنها خواهان تغییر هستند (ون دایک، ۱۳۸۲: ۵۴).

ون دایک معتقد است، برخی از مسائلی که محققان تحلیل گفتمان مطرح می‌کنند عبارت‌اند از:

- آنچه که دانش را می‌سازد؛
- شیوه‌ای که گفتمان‌ها توسط نهادهای اجتماعی ساخته می‌شوند و آنها را می‌سازند؛
- چگونگی کارکرد ایدئولوژی‌ها در نهادهای اجتماعی؛
- چگونگی دستیابی مردم در جامعه به قدرت و حفظ آن (Wodak, 2001b).

به نظر میشل می‌یر، ماهیت مسائلی که تحلیل گفتمان علاقه‌مند به آنها است از روش‌های تحقیق دیگر که فارغ از ارزش هستند متفاوت است. روش تحلیل گفتمان نقش مبارزه با تبعیض را به عهده می‌گیرد. تحلیل گفتمان رهیافتی انتقادی به مسائل مختلف اجتماعی دارد و از این رو می‌کوشد تا روابط پنهان قدرت را آشکار سازد (Mayer, 2001).

مفهوم انتقادی

برداشت‌های متفاوتی نسبت به مفهوم «نقد» در این نگرش وجود دارد. عده‌ای

به مکتب فرانکفورت، عده‌ای به نقد ادبی و عده‌ای نیز به مارکس روی آورده‌اند. تحلیل گفتمان انتقادی، به این معنا انتقادی است که قصد دارد نقش کردارهای گفتمانی در حفظ و بقای جهان اجتماعی از جمله، آن دسته از روابط اجتماعی را که توأم با مناسبات قدرت نابرابرند، آشکار کند. فرکلاف در کتاب *زبان و قدرت*^{۱۰} (۱۹۹۶) دو هدف اصلی انتقاد در تحلیل گفتمان را این گونه بیان می‌کند:

- کمک به تصحیح کم توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت.
- کمک به افزایش هشیاری نسبت به اینکه چگونه زبان در حاکم شدن بعضی بر بعض دیگر نقش دارد؛ زیرا که هشیاری اولین قدم به سوی رهایی است. تحقیق زمانی مفید فایده است که بتواند به کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کند (Fairclough, 1989: 2).

در واقع، تحلیل گران گفتمان می‌کوشند نظام‌های معنایی حاکم را متزلزل کنند. یکی از دلایل استحکام نظام‌های معنایی، این است که بسیاری از فهم‌های ما از جهان طبیعی شده‌اند؛ یعنی به آنها نه به مثابه برداشت‌هایی از جهان، بلکه به مثابه خود جهان نگریسته می‌شود. در نتیجه، یکی از اهداف عمده تحلیل گفتمان، تشریح فهم‌های بدیهی انگاشته و تبدیل آنها به موضوع بحث و نقد و

10. *Language and Power*

دیوید هوارث و یانیس استاورااکاکیس^۴ مسائل کلیدی مورد بررسی توسط تحلیل گفتمان را از این قرار می‌دانند: بررسی ایدئولوژی‌های ملی گرایانه و پوپولیستی، ساخت سیاسی هویت‌های اجتماعی، انواع درگیری‌های هژمونیک، منطق کنش جمعی، شکل‌گیری و اجرای سیاست عمومی، ایجاد و از بین بردن نهادهای سیاسی، نظم نوین جهانی، رشد سریع قوم‌گرایی رادیکال، ظهور جنبش‌های جدید اجتماعی، اسطوره‌های سیاسی، مهاجرت‌های دسته‌جمعی، شکل‌گیری ایدئولوژی‌ها و... (Howarth, 1998: 3).

تحلیل گفتمان انتقادی

رویکرد انتقادی در مطالعات

گفتمانی ریشه در زبان‌شناسی

انتقادی دارد. اواخر دهه ۱۹۷۹،

گروهی از زبان‌شناسان پیرو مکتب

نقش‌گرای هالییدی^۵ یعنی فاولر^۶، هاج^۷، کرس^۸ و ترو^۹ در دانشگاه ایست انگلیا، با انتشار کتاب *زبان و کنترل* (۱۹۷۹) نگرش انتقادی به زبان را پایه‌گذاری کردند. آنها نام این رویکرد را «زبان‌شناسی انتقادی» نهادند. هدف این رویکرد آشکار کردن روابط پنهان قدرت و فرایندهای ایدئولوژیکی موجود در متون زبانی بود.

4. David Howarth and Yannis Stavrakakis

5. Halliday

6. Fowler

7. Hodge

8. Kress

9. Trew

سرانجام، آماده کردن آنها برای تغییر است. فرکلاف در این باره می‌گوید: «اختیار کردن اهداف انتقادی، به معنی این است که در جهت روشن کردن این گونه طبیعی‌شدگی‌ها بکوشیم و به بیان کلی‌تر، به معنی این است که تعین‌ها و تأثیرات اجتماعی گفتمان را که ماهیتاً از دید مشارکت‌کنندگان آن مخفی می‌مانند، آشکار سازیم» (فرکلاف، ۱۳۹۰: ۲۷).

بنابراین، فرکلاف می‌خواهد نشان دهد که سامان‌دهی کنش‌های متقابل تا حدی به چنین ایدئولوژی‌های طبیعی‌شده‌ای بستگی دارد، و هدف تحلیل گفتمان انتقادی، غیرطبیعی کردن این نوع ایدئولوژی‌هاست. برای مقابله با طبیعی‌سازی باید نشان داد که چگونه ساختارهای اجتماعی، ویژگی‌های گفتمان را رقم می‌زنند و چگونه گفتمان، به نوبه خود، ساختارهای اجتماعی را معین می‌سازد.

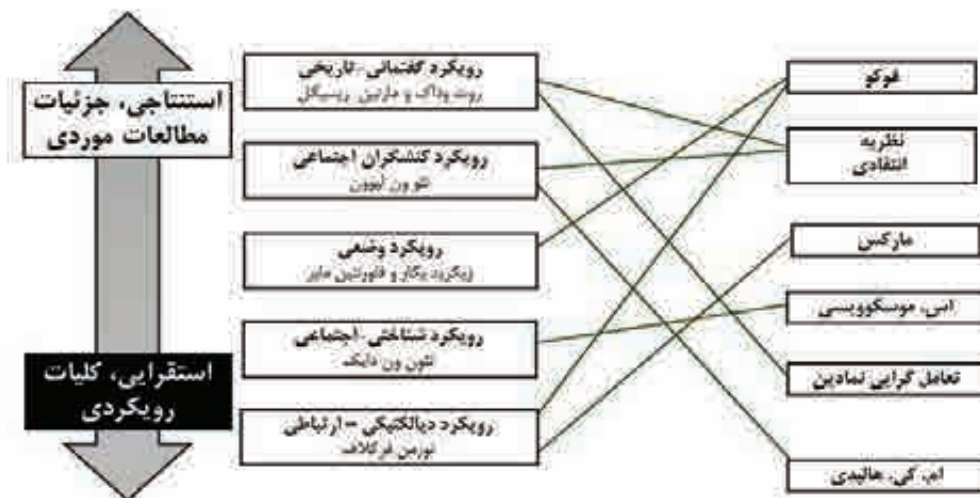
گونه‌شناسی تحلیل‌های گفتمان انتقادی

در کل می‌توان پنج گونه از تحلیل‌های گفتمان انتقادی را از هم تفکیک و متمایز کرد. این گونه‌های مطالعاتی بسته

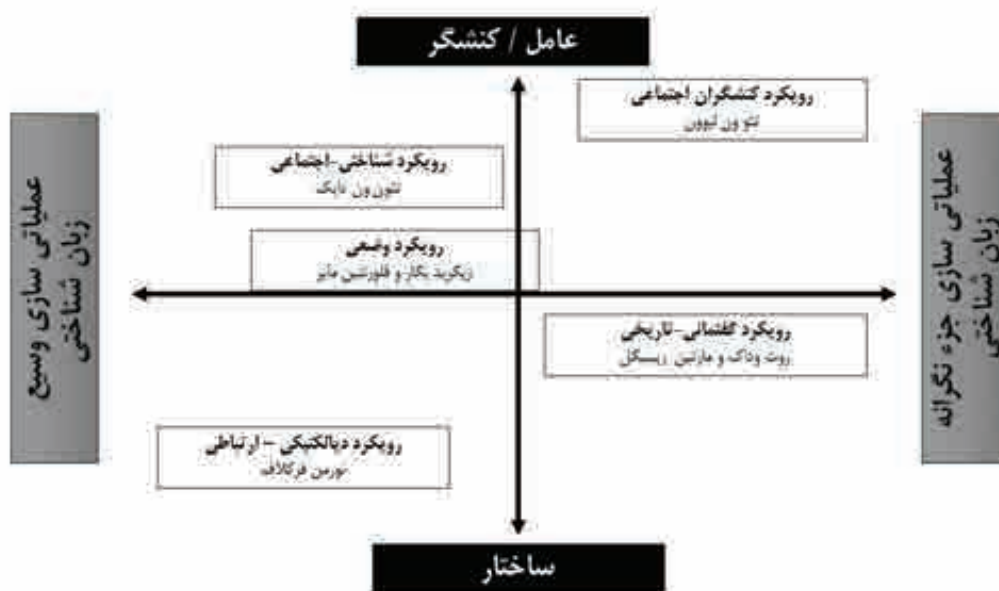
به اینکه متأثر از نظرات کدام اندیشمند پیش از خود بوده، استنتاجی و یا استقرایی بودن شیوهٔ ارائهٔ مباحث و همچنین میزان تمرکز بکلیات و یا جزئیات از هم متمایز می‌شوند. به عنوان مثال رویکرد گفتمانی و تاریخی وداک و رسیگل تحت تأثیر مبانی نظری نظریهٔ انتقادی

و تعامل‌گرایی نمادین است. این رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در تحلیل داده‌های خود استنتاجی عمل می‌کند و علاقه‌مند به مطالعات موردی است. این در حالی است که رویکرد دیالکتیکی ارتباطی فرکلاف که متأثر از نظرات مارکس و فوکو است تحلیل‌های خود را استقرایی انجام می‌دهد و متمرکز بر ساختارهای کلی اجتماعی است. در نمودار یک، سطح جزئی - کلی بودن رویکردها و مهم‌ترین چهره‌های تأثیرگذار بر گونه‌های پنج‌گانهٔ تحلیل گفتمان انتقادی را می‌توانید مشاهده کنید (Wodak and Mayer, 2001a: 18).

علاوه بر این بسته به میزان تمرکز پژوهش بر کنشگر/عامل، و یا ساختار و همچنین عملیاتی‌سازی وسیع زبان‌شناختی یا جزءنگرانه، پنج گونه تحلیل گفتمان انتقادی از هم متمایز می‌شوند. به عنوان مثال رویکرد فرکلاف متمرکز بر ساختارها و کردارهای اجتماعی است و از آن رو که نگاهی وسیع و گسترده به عملیاتی‌سازی زبان‌شناختی دارد از رویکرد شناختی ون دایک که متمرکز بر عامل/کنشگر است متمایز می‌شود. نمودار دو، پراکندگی رویکردهای پنجگانهٔ تحلیل گفتمان انتقادی را بر مبنای شاخص‌های ذکرشده نشان می‌دهد (Ibid: 20).



نمودار ۱. رویکردها و گونه‌های تحلیل گفتمان انتقادی (منبع: Wodak and Mayer, 20105)



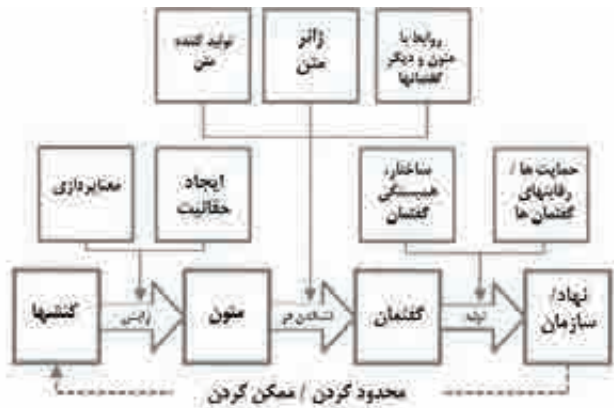
نمودار ۲. جانمایی گونه‌های تحلیل گفتمان انتقادی در فضای برداری ساختار/کنشگر و عملياتي سازي وسيع/جزء نگرانه (منبع: Wodak and Mayer, 20105)

گفتمان و نهاد / سازمان

تاکنون تعاریف متعدد و گوناگونی از نهاد و سازمان ارائه شده‌اند. اما آنچه با مبانی این پژوهش همسو است تعاریفی برگرفته از نهادها و سازمان‌ها بر مبنای روابط مبتنی بر قدرت، هویت و روابط بیناگفتمانی آنهاست. این نگاه به نهادها منجر به تعاریفی می‌شود همچون تعریف مامبی و کل ایر مبنی بر اینکه نهادها «سایت‌ها (مکان‌های) تقلای گروه‌های مختلف برای صورت‌بخشی به واقعیت اجتماعی هستند... به گونه‌ای که تمایلات آنها را بر آورده سازند» (Mumby and Clair, 1997: 182, in Mayr, 2008: 5). در تحلیل گفتمان نهادها می‌توان از چهار منظر تفسیری (تأویلی)، کارکردی، انتقادی و ساختاری به مسئله ورود پیدا کرد. هراکلیوس معتقد است پیشینه بهره‌گیری از نظریه‌های گفتمانی در علوم اجتماعی و تحلیل نهادها و سازمان‌ها (مبتنی بر نظریه سازمان‌ها) به اواخر دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد. در این دوره اهمیت بهره‌گیری از مفاهیم بافت‌شناسی در تحلیل گفتمان قوت می‌گیرد و رویکردهای فوق‌الذکر در تحلیل گفتمان نهادها بروز می‌یابند. رویکرد تأویلی گفتمان را به مثابه کنش‌های ارتباطی مفصل‌بندی می‌کند؛ کنش‌هایی که بر سازنده واقعیت‌های سازمانی هستند. رویکرد کارکردی گفتمان را به مثابه ابزاری برای تسهیل بررسی و ارزیابی فرایندهای مرتبط با مدیریت سازمانی همچون تحلیل مدیریت بهینه، بررسی انگیزش کارکنان، و تغییرات سازمانی به کار می‌برد. رویکردهای انتقادی روابط مبتنی بر قدرت دانش را در سازمان‌ها بررسی می‌کنند؛ روابطی همچون

هویت سوژه‌ها، اقتدار و سلطه ساختارهای سازمانی و اجتماعی و سامانه‌های (سیستم‌های) قدرت در سازمان‌ها. نهایتاً رویکرد ساختاری به تحلیل و بررسی گفتمان سازمانی به مثابه کنش‌های ارتباطی و ساختارهای درهم‌تنیده و عمیق سازمانی می‌پردازد (Heracleous, 2006: 2-3). در فصل چهارم کتاب *گفتمان، تفسیر، سازمان* هراکلیوس به بررسی رویکرد انتقادی بر مبنای نظریه گفتمانی فوکو و بسط تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف و ون دایک می‌پردازد. نویسنده کتاب مدعی است رویکرد انتقادی در تحلیل گفتمان سازمان‌ها می‌تواند از مفاهیم باستان‌شناسی فوکویی در تحلیل گفتمان کنش‌های تاریخی - سازمانی و از مفاهیم تبارشناسی فوکویی در تحلیل نظام‌های تولید حقیقت در سطوح معنایی و سوژگی سازمان‌ها بهره برد (Ibid: 101). نیومن و بنز نیز معتقدند به طور کلی می‌توان چهار پارادایم را در مطالعات سازمانی از هم تفکیک کرد: پوزیتیویسم، واقع‌گرایی انتقادی، تفسیری و انتقادی. تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی فرکلاف بر مبنای رویکردهای رئالیسم انتقادی و انتقادی پایه‌گذاری شده است. هردو رویکرد به بحث تغییر اجتماعی بر مبنای فرآیندهای تغییری که سازمان‌ها و نهادها پایه‌گذاری می‌کنند، معتقدند. از این منظر رئالیسم انتقادی به دنبال شناخت ماهیت اشیا و تعامل تغییرپذیر بین آنهاست. رویکرد انتقادی نیز در پی آسیب‌شناسی سازمانی جهت ایجاد تغییر بنیادی در جامعه است. به‌زعم رئالیسم انتقادی پدیدارهای اجتماعی لایه‌لایه‌اند و هر لایه ریشه در لایه پیشین دارد و شناخت آن صرفاً از طریق رابطه علت و معلول خطی امکان‌پذیر

نیست. رویکرد انتقادی نیز معتقد است واقعیت اجتماعی به وسیله تعارضاتی که به وسیله ساختارهایی زیربنایی پنهان می شود ایجاد می گردد. این دو رویکرد درباره ماهیت انسان به عنوان کنشگر وی را خلاق و دارای قابلیت های ناشناخته می دانند که نیاز به تحلیل و بررسی در بستر اجتماعی دارد (Neuman and Benz, 1998).



نمودار ۳. نمودار مدل گفتمانی سازی سازمانی کنشها
منبع: Phillips et al, 2004

گفتمان سازی سازمان ها بر مبنای متون سازمانی و فرآیندی که توصیف آن رفت در بالا آمده است (نمودار ۳).

گونه شناسی سطوح و مسائل تحلیل گفتمان سازمانی و نهادی

در چهار سطح میکرو، مزو، ماکرو و مولتی یا چند گانه می توان مسائل رویکردهای مطالعاتی تحلیل گفتمان سازمانی را از هم تفکیک کرد. در مهم ترین این تفاوت ها رویکرد تاریخی فوکویی در مقایسه با رویکرد انتقادی (فرکلافی) نشانگر آن است که دغدغه اولیه تحلیل گفتمان فوکویی مطالعه تشکیلات گفتمانی است، در حالی که تحلیل گفتمان انتقادی در پی تحلیل نسبت متون سازمانی با کردارهای اجتماعی است. تفاوت های این رویکردها در نمودار ۴ قابل مشاهده و مقایسه است.

مدل گفتمان سازی سازمان ها

فرایند سازمانی کردن یک گفتمان از منظر انتقادی با کنش ها و تغییرات اجتماعی آغاز می شود. کنش ها، زاینده

متون سازمانی می شوند؛ اسنادی همچون اساس نامه ها و آیین نامه ها. متون سازمانی بر اساس قاعده های ایجاد حقانیت و معناپردازی شکل می گیرند و در قالب اسنادی همچون اهداف، رسالت ها، افق و چارت سازمانی بازنمایی می شوند. بر مبنای روابط بینامتنی، متون سازمانی در ساختار ژانر متون وابسته و هم بسته، تولید کنندگان متون و ارتباط با متون و گفتمان های دیگر نشانده می شوند تا به مرحله تولید و توزیع برسند. در مرحله تولید و توزیع گفتمانی، ارتباطات بیناگفتمانی سازمانی با حمایت ها و یا رقابت های دیگر گفتمان ها و هم بستگی با گفتمان های مشابه، نهاد یا سازمان مورد نظر را شکل و ساختار می بخشد. پس از شکل گیری، سازمان ها با ممکن کردن و یا محدود کردن کنش ها و فعالیت های کنشگران این چرخه را مجدداً بازآفرینی می کنند (Phillips et al, 2004). نمودار مدل

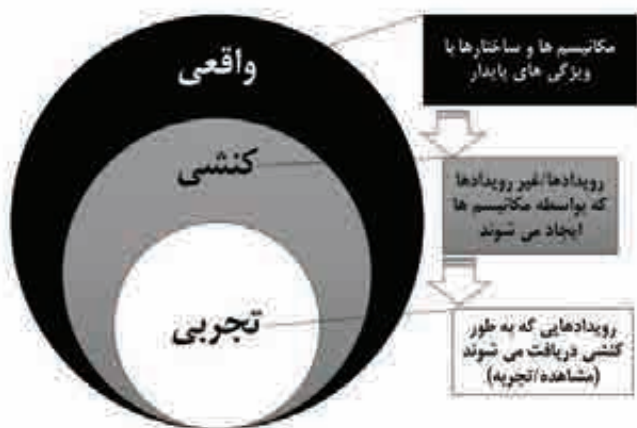
سطح تحلیل گفتمان	رویکرد روش شناختی غالب	دغدغه اولیه گفتمان	رویکرد سازمانی	منابع مرسوم داده ها	دغدغه اصلی سازمانی
میکرو	تحلیل مکالمه	تحلیل تعاملات واقعی یا فردی	تعامل به مثابه سلمان ذهنی	مشاهده دقیق جلسات، مصاحبه ها و ارائه ها	تصمیم گیری و اتخاذ استراتژی در حد خرد
مزو	تحلیل روایت	تفسیر وضعیت سپامداران اصلی	سازمانها به مثابه حوزه های روایی	مصاحبه با مسئولین سازمانی یا تحلیل متون گزینشی	هویت شفاهی و معنادرستی سازمانی
ماکرو	تحلیل گفتمان فوکویی	مطالعه تنکیلات گفتمانی	نهایتها به مثابه بدنه های حاکم و هدایتگر سوژه ها	پژوهش تاریخی از مجموعه متون و کردارهای سازمانی	دانش، سوژگی ها و کنترل
چند	CDA	مرتبط کردن متون سازمانی با کردارهای اجتماعی	رخدادهای سازمانی به مثابه برساخته های بافتی	تحلیل متون یا یک تعامل هدفمند به همراه نثر بافتی	ایدئولوژی، قدرت و روابط قدرت

نمودار ۴. سطوح تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی / منبع: Phillips et al, 2004

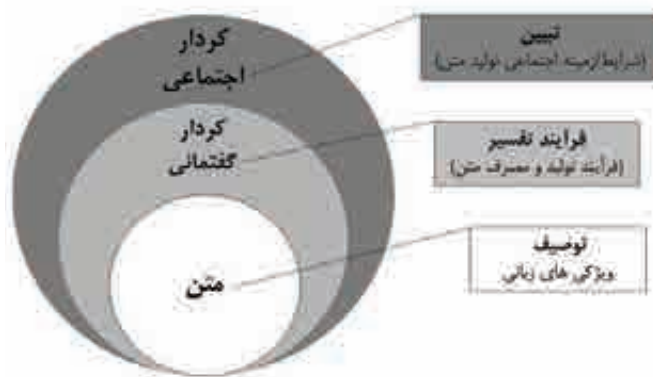
سازمان‌ها، فرهنگ، خلاقیت و هنر

در تحلیل سازمان‌ها و نهادهای هنری علاوه بر مسائلی که در عموم سازمان‌ها مورد توجه پژوهشگران و تحلیل گران قرار می‌گیرد و در بخش قبلی بدانها به صورت نظری و عملیاتی اشاره شد، مسئله خلاقیت و آفرینش هنری از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. به‌زعم فرکلاف از تحلیل آثار خلاق به تحلیل فرایندهای خلاقانه مرتبط با آثار هنری می‌توان دست یافت؛ که

منظور از فرایندهای خلاقانه زنجیره کنش‌هایی است که در بافت خلاق شکل می‌گیرد. این زنجیره کنش‌ها فرایندهای گفتمانی هستند که ساختارمند و وسیع است. تحلیل سازمان‌های فرهنگی و هنری هم از آن رو که بر آثار خلاق و کنشگران خلاق متمرکز است و هم خروجی آن محصولات خلاقانه است زنجیره‌ای از تحلیل متون، رویدادها، آثار و فضاها را خلاق است.



نمودار ۵) سطوح معرفت شناختی رئالیسم انتقادی روی باسکار



نمودار ۶) سطوح تحلیل انتقادی گفتمانی فرکلاف

تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی از منظر فرکلاف

فرکلاف با نقد و بهره‌گیری از معرفت‌شناسی رئالیسم انتقادی روی باسکار^{۱۱} سطوح سه‌گانه تحلیل خود را طراحی می‌کند.

از منظر این معرفت‌شناسی فرایندها و رویدادها و همچنین ساختارها به مثابه طبقات متفاوت از واقعیت اجتماعی با ویژگی‌های متفاوت هستند که تمایز بین امر واقعی، امر کنشی، و امر تجربی را در تحلیل از امر گفتمانی ایجاد می‌کنند (Fairclough, 2010: 355).

این مدل یا الگو در تحلیل گفتمان سازمانی فرکلاف نقش بنیادی دارد. تحلیل گفتمان سازمانی فرکلاف در سه ساحت ظهور، بازآرایی بافت و عملیاتی کردن گفتمان صورت می‌گیرد که متناظر با سه سطح متنی، کردار گفتمانی و کردار اجتماعی وی است. در ساحت ظهور شکل‌گیری کنش‌های ساختاری یک سازمان و فرایندهای ظهور سازمانی شدن یک ایدئولوژی رد، خوانش و تحلیل می‌شود. در این سطح متون و اسناد آرشیوی کلید ورود به خوانش انتقادی سازمان محسوب می‌شوند. در سطح بازآرایی بافت ارتباطات بیناگفتمانی سازمان مورد مذاقه قرار می‌گیرد و سپس کردارهای اجتماعی سازمان در هژمونیک کردن گفتمان خود مسئله پژوهشگر است.

فرکلاف در تحلیل گفتمان سازمانی خود تأکیدش بر گذار از مطالعه سازمان‌ها به عنوان یک ساختار صلب، به مطالعه سازمان بخشیدن به مثابه فرایند است. در این رویکرد به جای مطالعه و تحلیل مجموعه متون بر سازنده

11. Roy Bhaskar

تجزیه و تحلیل گفتمانی انتقادی سازمانی

کردارهای گفتمانی، تمرکز بر فرایندهای سازمانی شدن یک ایدئولوژی است. از این رو فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی «کنش گفتمانی» را معادل «متن» در نگاه خردگرایانه تحلیل گفتمان قرار می‌دهد و معتقد است کنش گفتمانی در لایه‌های پیچیده چندتایی بینامتن‌ها که بر سازنده معنای گفتمانی هستند قابل ردیابی اند (Ibid).

برای فرکلاف تحلیل گفتمان انتقادی بر مبنای شاخص تغییر، به عنوان شرط لازم و هستی‌بخش شکل‌گیری و بقای یک سازمان معنادار است. تحلیل گفتمان انتقادی علاقه ویژه‌ای به تغییرات رادیکالی که در زندگی معاصر رخ می‌دهد دارد. در واقع تحلیل گفتمان انتقادی در پی آن است تا «چگونگی تجسم یافتن و بروز یافتن نشانه‌ها

در فرایندهای اجتماعی و تغییرات در روابط بین نشانه‌ها و عناصر دیگر در درون شبکه‌های کرداری و کنشگری» را تحلیل و بررسی کند (Ibid). فرکلاف معتقد است در سازمان‌ها این فرایندها در سطوح زیر قابل بررسی است:

- **شکل‌گیری:** فرایند ظهور و شکل‌گیری گفتمان‌های جدید، نظام‌مند شدن آنها به عنوان مفصل‌بندی جدید از عناصر موجود گفتمان‌ها (تحلیل بیناگفتمانی)
- **بازآفرینی بافت:** انتشار گفتمان‌های رو به تکوین هژمونیک فراتر از مرزهای ساختاری (بیناسازمانی) و بافتی (از سطح منطقه‌ای به ملی و از سطح ملی به بین‌المللی و برعکس)
- **عملیاتی کردن:** عملیاتی کردن چنین گفتمان‌هایی، تعاملاتشان، القاءات این گفتمان‌ها به شیوه‌های جدید و در هویت‌های جدید با بهره‌گیری از سبک‌ها و ژانرهای خاص و هژمونیک شدن آنها (Ibid).



نمودار ۷) مدل تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی فرکلاف (منبع: Fairclough, 2010) / مدل سازی مولف

بینامتنیت/بیناگفتمانیت در تحلیل گفتمان سازمانی

نزد فر کلاف بینامتنیت با زایایی متون و چگونگی تحول و تطور متون جدید از متون پیشین هم‌بسته است. در واقع بینامتنیت نزد فر کلاف به این مساله اشاره دارد که «چگونه متون می‌توانند متون پیش از خود را دگرگون کنند و به قراردادهای موجود (ژانرها و گفتمان‌ها) ساختاری جدید بدهند تا قراردادهای جدیدی بسازند. اما این زایایی در عمل به صورت یک فضای بی‌انتهای برای نوآوری و بازمتنی در دسترس مردم نیست؛ به لحاظ اجتماعی محدود و پایبند الزام‌هاست و مشروط به روابط قدرت» (فر کلاف به نقل از میلز، ۱۳۸۸: ۱۹۵). میلز معتقد است بینامتنیت در نزد فر کلاف «جنبه‌های ساخت متنی است که سبب‌ساز ایهام در درون یک متن می‌شوند. اگر گزاره‌ای از یک متن در گزاره دیگر ادغام شده باشد باعث نوعی گسست می‌شود» (همان). از این رو برای تحلیل بینامتنیت در گفتمان سازمان‌ها شاخص «ایهام» بسیار کلیدی است. از شاخصه‌های مهم دیگر تحلیل در این سطح «انسجام» است. انسجام به مصرف متون اشاره دارد. در واقع مسئله پژوهشگر در این سطح از تحلیل متمرکز بر میزان ناهمگونی و مبهم بودن متون مورد تحلیل برای مفسران است. یکی از پرسش‌هایی که در این حالت مطرح می‌شود این است که آیا متون مورد بررسی دارای خوانش‌های منتشرشده مخالف هستند و اگر این‌گونه است چه خواننده و در چه سبک و ژانری؟ (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۱۴۱)

این سطح از تحلیل پا را از گستره متن بیرون می‌گذارد و

به سوی متهای دیگر می‌رود و از این رو امکان بررسی مبادلات متن و جامعه را میسر می‌سازد (نامورمطلق، ۱۳۹۵: ۲۴۸). فر کلاف خود اذعان می‌کند که «تحلیل بینامتنی پیشنهادی من در مورد بخش‌هایی از متون چیزی نیست مگر اشارهای به امکانی که در تحلیل فرایندهای تولید و تفسیر گفتمان یافته‌ام تا بلکه بتوان پیوندهای واسط میان متن و بافت را ایجاد کرد» (فر کلاف، ۱۳۹۰: ۱۶۱). بنابراین تحلیل بینامتنی فر کلاف سعی بر آن دارد تا واسطی باشد بین سطوح توصیف و تفسیر، و تحلیل بر مبنای توزیع یک نمونه گفتمانی با توصیف زنجیره‌های بینامتنی. پرسش‌های مورد طرح و بررسی در تحلیل زنجیره‌های بینامتنی سازمان‌های مورد تحلیل عبارت‌اند از:

- چه گونه‌هایی از تغییرات را سازمان مورد بررسی از سر گذرانده است؟ (فازهای گفتمانی سازمان)
- زنجیره‌های بینامتنی در سازمان مورد بررسی ثابت بوده‌اند یا متغیر؟ آیا این زنجیره‌ها به چالش کشیده شده‌اند؟
- آیا نشانه‌هایی از اینکه تولید‌کننده متن بیش از یک مخاطب را مد نظر دارد موجود است؟
- چه شاخصه‌هایی مخاطب(های) مدنظر متن را مشخص و روشن می‌سازند؟ (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۱۴۰)

واسط بین کردارهای گفتمانی و کردارهای اجتماعی در تحلیل گفتمان انتقادی فر کلاف تحلیل بیناگفتمانی است. هدف در تحلیل بیناگفتمانی شناسایی و به کار گرفته شدن انواع گفتمان‌هایی است که در سازمان مورد مطالعه نهاده شده است. بیناگفتمانیت به بررسی شرایط کردار گفتمانی از جنبه‌های نهادی و اجتماعی می‌پردازد. مسئله اولیه‌ای

که در این سطح بروز می کند پرسش از سبک مشخص برای توصیف متن سازمانی بر مبنای ژانر است. بر این اساس چگونگی تولید، توزیع و مصرف مورد مطالعه دغدغه اصلی تحلیل بیناگفتمانی فرکلافی است. جمعی یا فردی بودن فرایند تولید متن از مراحل قابل شناسایی و متمایز در تحلیل بیناگفتمانی است (همان: ۱۴۱).

ژانر و تحلیل گفتمان سازمانی

در فرایند تحلیل گفتمان سازمانی فرکلاف «ژانر» نقش کلیدی دارد. در زبان شناسی انتقادی ژانر به طور عام عبارت است از شیوه های کنشگری، در حالی که گفتمان ها شیوه های بازنمایی، و سبک ها شیوه های بودن هستند (Fairclough, 2010: 75). در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، ژانر «کاربرد خاصی از زبان است که بخشی از یک کردار اجتماعی مشخص را تشکیل می دهد و آن را می سازد» (یورگسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲۰). به بیان دیگر ژانرها راه های مختلف کنشگری، تولید و همچنین مصرف نشانه های اجتماعی هستند. این نشانه های اجتماعی در مکالمه های روزمره، گردهمایی ها، مصاحبه ها، جشنواره ها و تعاملات بینا نشانه ای قابل شناسایی و خوانش هستند (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۹۰). تحلیل ژانر در سطح یک گفتمان در واقع یک تحلیل بینامتنی است. فرکلاف خود معتقد است: «از آن جا که ژانرها عملاً مختلف هستند تحلیل واقع بینانه (در این سطح) تحلیلی است که تحلیل بینامتنی در دل خود دارد.» (فرکلاف،

۱۳۹۰: ۱۴۹). کارکرد مهم بررسی ژانرها گذار از تحلیل بینامتنی به تحلیل بیناگفتمانی در سطح کردار اجتماعی است. نامور مطلق بر این اساس معتقد است هر ژانر از یک «کانون دید» برخوردار است و توجه چندین کانون متفاوت به یک موضوع، مفسر را به واقعیت نزدیک می کند. (نامور مطلق، ۱۳۹۵: ۲۵۱). برای تحلیل ژانرهای سازمانی بر مبنای آموزه های فرکلاف سه سطح از داده ها باید مورد تحلیل قرار گیرند:

۱. **کنشگری:** آنچه کنشگران به شیوه گفتمانی انجام می دهند در سطح توصیفی ارزیابی می شود. در این سطح تعامل ارتباطی و تعامل استراتژیک در سطح سازمانی با توجه به شاخص های بینامتنی مورد تحلیل قرار می گیرد.
۲. **روابط اجتماعی:** در سطح روابط اجتماعی مسئله مورد مذاقه، قدرت سازمانی بر مبنای تحلیل سلسله مراتب است. مسئله همبستگی به معنای نزدیکی و دوری از سلسله مراتب قدرت از سطح متنی تا کردار اجتماعی سازمان ها مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.
۳. **فناوری ارتباطات (رسانه ها):** در تحلیل سازمان ها میزان متون رسانه ای شده یا نشده، و همچنین یک سوئیگی یا دو سوئیگی آنها در تحلیل سطوح قبلی و گفتمان سازمان مورد مطالعه بسیار تعیین کننده است (Fairclough, 2010). لذا نشر یا عدم انتشار پیش متن ها، پیرامن ها و بیش متن های رویدادهای گفتمانی که در پژوهش حاضر همانا سازمان ها و رویدادهای هنری همچون جشنواره ها و دوسالانه ها هستند بسیار حائز اهمیت است.

روش‌شناسی عملی تحلیل گفتمان سازمانی روش یافته‌اندوزی و گردآوری داده‌ها

برای پیاده‌سازی روشمند مباحث فوق در تحلیل گفتمان سازمان‌ها، میر و باستو فصلی را به طراحی پژوهش‌های متمرکز بر تحلیل گفتمان نهادی و سازمانی در کتاب *زبان و قدرت: درآمدی بر گفتمان نهادی* (۲۰۰۸) اختصاص داده‌اند. در مرحله گردآوری داده‌ها نخستین مرحله جمع‌آوری داده‌های گفتاری است (Mayr, 2008: 167). در این مرحله مشخص کردن تعداد افرادی که تولید داده‌های گفتاری مرتبط با سازمان مرتبط داشته‌اند، گونه داده (مصاحبه شفاهی، تحلیل مصاحبه‌های مکتوب و غیره)، تکنیک‌های مصاحبه، و یا پرسش‌نامه می‌بایست مشخص گردد (Ibid).

مشاهده مبتنی بر حضور در تحلیل گفتمان وضعیت موجود سازمان‌ها و نهادها از دیگر تکنیک‌های گردآوری داده‌هاست. تفاوت این مرحله با بررسی روش‌های کیفی دیگر آن است که پژوهشگر مدتی را در نهاد یا سازمان مورد مطالعه، همزیستی پژوهشی می‌کند و به مشاهده همراه با حضور و مشارکت می‌پردازد (Ibid: 169).

بررسی سایت اینترنتی نهادها و سازمان‌های مرتبط، فرم‌های مرتبط، اسناد روشنگر سیاست‌های نهاد/سازمان، گزارش‌های سالانه، فصلی و ماهیانه مرتبط با موضوع پژوهش و هر آنچه به طور مکتوب مرتبط با گفتمان نهاد و سازمان مربوطه و موضوع پژوهش است می‌بایست در دستور کار پژوهشگر قرار گیرد. (Ibid: 173)

یافته‌اندوزی در تحلیل گفتمان سازمانی اساساً بر مبنای اسناد دست‌اول و معتبر منتشرشده در قالب رسانه‌های مختلفی همچون مکتوب، شفاهی، چندرسانه‌ای، تصویری و غیره صورت می‌پذیرد. با این حال به علت گستردگی وسیع داده‌های ثبت‌شده و ثبت‌نشده در بیشتر مواقع اغلب تحلیل‌گران گفتمان سازمانی، تمرکز مطالعاتی خود را بر مجموعه کوچکی از داده‌ها به عنوان نمونه برجسته‌ای از گفتمان خاص قرار می‌دهند (Meyer, 2015: 21).

فرکلاف درباره نوع داده‌ها و شیوه گردآوری آنها معتقد است ماهیت داده‌ها براساس طرح‌نامه پژوهش و پرسش‌های خاص آن متفاوت خواهد بود. وی اذعان می‌کند که «آرشیو» مهم‌ترین مخزن گردآوری و تحلیل داده‌های پژوهش‌های تحلیل گفتمانی است. از این رو تنها زمانی می‌توان تصمیمی مناسب درباره داده‌ها اتخاذ کرد که اطلاعات کافی از آرشیو داده‌ها داشته باشیم. بخشی از مسئله این است که باید دانست چه چیزهایی قابل دسترسی هستند و چگونه به آنها می‌توان دست یافت. از سوی دیگر نیز باید یک مدل ذهنی از نظام گفتمان نهاد یا سازمان مورد مطالعه و فرآیندهای تغییر در آنها وجود داشته باشد تا بتوان اقداماتی مقدماتی برای جمع‌آوری داده‌ها و نمونه‌ها انجام داد (Fairclough, 2001: 227-229).

آنچه در گردآوری داده‌ها با رویکرد گفتمانی فرکلاف مهم است آن است که این فرایند در حین تجزیه و تحلیل گسترش پیدا می‌کند (Ibid). عموماً در گردآوری داده‌ها با رویکرد و روش تحلیل گفتمان انتقادی روش‌هایی همچون بررسی اسناد و استفاده از متون موجود با تکیه بر

اسناد دست‌اول (گفتاری و نوشتاری)، مصاحبه، مشاهده، گروه متمرکز و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرند (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

یکی از مباحث مهم در گردآوری داده‌ها نمونه‌گیری است؛ و از آن رو که در تحلیل گفتمان انتقادی منطق نمونه‌گیری از منطق کمی و آماری متفاوت است، به صورت مختصر اشاره‌ای به فرایند نمونه‌گیری در پژوهش حاضر می‌شود. منطق نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی مبتنی بر نمونه‌گیری از موارد برجسته و افراد شاخص است؛ از این رو نمونه‌ها تصادفی انتخاب نمی‌شوند بلکه کاملاً هدفمند هستند (همان). بر این اساس و از آن رو که در پژوهش حاضر نمونه‌گیری‌ها متمرکز بر جشنواره‌ها و اسناد آنهاست، روش‌های شاخص و اصلی نمونه‌گیری از رسته نمونه‌گیری از «موارد تأییدکننده و ردکننده» و همچنین «موارد شاخص» و «موارد حاشیه‌ای» است.

نمونه‌فرایند گردآوری داده‌ها در تحلیل گفتمان سازمانی هنری

چنانچه بخواهیم در حوزه هنر معاصر ایران، با تمرکز بر سازمان‌ها و جشنواره‌ها و دوسالانه‌های هنری مرتبط

با آنها یک پژوهش و تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی را طراحی کنیم فرایند زیر می‌تواند راهگشا باشد:

• در مرحله نخست به صورت مطالعه منابع کتابخانه‌ای پیشینه و ادبیات تحقیق منابع موجود در حوزه هنر معاصر ایران با تمرکز بر جشنواره‌ها و دوسالانه‌های نقاشی گردآوری و تدوین می‌شود.

• در مرحله دوم با مراجعه به اسناد منتشرشده آرشیوی سازمان‌های مورد مطالعه (به عنوان مثال: وزارت ارشاد [با تمرکز بر جشنواره تجسمی فجر و دوسالانه نقاشی]، و حوزه هنری و...) خصوصاً اسنادی که به صورت مجازی در درگاه‌های اینترنتی سازمانهای هدف منتشر شده‌اند، و همچنین اسناد عمومی و مکتوبی همچون کتب، نشریات، و مجلات، سازمان‌های مورد مطالعه در هر دوره، برنامه‌های مهم و ملی آنها شناسایی می‌شود.

• در مرحله سوم فراخوان‌ها، بیانیه‌ها و سخنرانی‌های کنشگران جریان‌ساز رویدادهای مهم هنری رسمی، از طریق آرشیو سازمان‌ها، کتب منتشرشده، روزنامه‌ها و مجله‌ها و همچنین منابع اینترنتی گردآوری و طبقه‌بندی می‌شود. در واقع این اسناد به مثابه پیش‌متن‌های رویدادهای بزرگی همچون جشنواره‌ها و دوسالانه‌ها قلمداد می‌شوند.

• در مرحله آخر متن‌های پیرامونی با تمرکز بر تحلیل‌ها و انتقادات مرتبط با رویدادهای هر دوره از مجله‌ها و نشریه‌های هنری، مجموعه مقالات هم‌اندیشی‌ها و آثار انتقادی مکتوب منتشرشده در سایت‌ها و دیگر منابع مکتوب گردآوری و طبقه‌بندی می‌شوند.

تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین برخوردار است. در هریک از این سطوح، ما با تحلیل سروکار داریم، اما ماهیت تحلیل در هر مرحله متفاوت است:

نمونه فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها

- تحلیل در مرحله اول (توصیف) به برچسب‌دهی ویژگی‌های صورتی متن اکتفا می‌کند و سعی بر آن است که گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن تحلیل و آشکار شوند. در این سطح متن به مثابه یک شیء در نظر گرفته می‌شود.
- در مرحله دوم (تفسیر)، به تحلیل فرایندهای شناختی شرکت کنندگان و تعامل‌های میان آنها می‌پردازد و تعامل بین متن و بافت روشن می‌شود.
- مرحله سوم (تبیین) نیز ارتباط میان رویدادهای اجتماعی (تعامل‌ها) با ساختارهای اجتماعی را بیان می‌کند که بر این رویدادها تأثیر می‌گذارند و یا از آنها تأثیر می‌پذیرند. به بیان دیگر تأثیر دوسویه ساختارها بر گفتمان و گفتمان بر ساختارها مسئله اصلی تحلیل در این سطح است (Fairclough, 2001: 26).

بر اساس فرایندها و روش‌های توضیح داده‌شده، تجزیه و تحلیل داده‌ها در سه سطح زیر بر روی سازمان‌ها و رویدادهای هنر معاصر ایران پس از انقلاب می‌تواند صورت گیرد:

۱. در سطح متنی (توصیفی) تحلیل فرایندهای شکل‌گیری و ظهور سازمان‌های هنری جمهوری اسلامی (به عنوان مثال حوزه هنری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگستان هنر و...) و متولیان و بازیگران اصلی رویدادهای ملی و بین‌المللی نقاشی (همچون جشنواره هنر جوان و دوسالانه نقاشی و همچنین جشنواره تجسمی فجر) مورد خوانش

قرار می‌گیرند. بر این اساس اسنادی همچون اساسنامه و آیین‌نامه‌هایی که به سازمان موجودیت و هویت سازمانی بخشیده‌اند بررسی می‌شوند و بستر و گستره زمانی ظهور سازمان متولی و بالتبع آن جشنواره‌هایی که طراحی و اعلان شده‌اند مورد بررسی و تحلیل متنی قرار می‌گیرند.

۲) در سطوح کردار گفتمانی و اجتماعی (تفسیر و تبیین) کنش‌های گفتمانی در راستای بازآفرینی بافت فرهنگی - هنری موجود با بررسی ساختار سازمانی جشنواره‌ها و دوسالانه‌ها و کنشگران اصلی در این مرحله بر اساس اسناد منتشرشده و در دسترس مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرند. در واقع در این مرحله تحلیل‌ها بر اساس مقایسه و تطبیق جشنواره‌ها و دوسالانه‌های پیش و پس از انقلاب می‌تواند باشد. با توجه به اهمیت تحلیل فرایندهای تولید، عرضه و مصرف متن در این سطوح تحلیل گفتمان انتقادی، فراخوان‌ها، فرایندهای انتخاب و نمایش آثار (همچون مکان برگزاری جشنواره/دوسالانه) و تعامل‌های بین سازمانی و در نهایت آثار برگزیده و منتخب و همچنین جوایز تعلق گرفته به برگزیدگان با رویکرد انتقادی تحلیل و بررسی می‌شود.

۳) تحلیل فرآیندهای (پاد)هژمونیک در سطح سوم پژوهش صورت می‌گیرد. درواقع این سطح از تحلیل متمرکز بر نقدهای رقبا و تلاش برای شکل دادن به فضای گفتمانی جدید و یا حمایت‌های تکمیلی - توسعه‌ای کنشگران همسو با ایدئولوژی مسلط بر گفتمان سازمانی است.

در مجموع نمودار ۸ به صورت شماتیک سطوح، فرایند و مسائل مورد خوانش و تحلیل مقاله حاضر را به تصویر کشیده است.

سطح نخست تحلیل

تحلیل ظهور نهاد/ سازمان هنری

(سطح متنی) / (فرایندهای جریان شکل گیری جریان تغییر)

تحلیل اساس نامه / دوره زمانی شکل گیری نهاد یا سازمان / تحلیل نظم جدید گفتمانی سازمان / فرایند سازمانی شدن / ساختار سازمانی

سطح دوم تحلیل

تحلیل کنشهای گفتمانی در راستای بازآفرینی بافت فرهنگی هنری جامعه

(سطوح کردار گفتمانی و اجتماعی) / (فرایندهای عملیاتی سازی تغییر)

فراخوان / تولید / نمایش / عرضه تعاملات بیناسازمانی / سطوح برگزاری رویدادهای هنری

سطح سوم تحلیل

خوانشهای انتقادی از فرایندهای سازمانهای هنری

(تحلیل فرایندهای پادهژمونیک)

نقد و شکل گیری جریانهای تکمیلی-توسعه ای و یا رقیب

نمودار ۸. سطوح، فرایند و مسائل مورد خوانش و تحلیل (منبع: مؤلف)

نتیجه

سازمان‌ها و رویدادها مهم‌ترین عناصر دنیای هنر هستند و در تثبیت و هژمونیک‌سازی گفتمان‌های مسلط نقش کلیدی را برعهده دارند. خوانش و تحلیل کنش‌ها و برون‌دادهای سازمانی نیازمند روشی بینارشته‌ای است تا بر اساس آن بتوان فضاهای بینامتنی، بیناگفتمانی و ژانرهای موجود را استخراج کرد. فرکلاف در روش تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی خود شاخص‌ها و فرایندهایی را پیشنهاد

می‌کند که می‌تواند به صورت ابزاری قدرتمند در دست پژوهشگر قرار گیرد. در سطح نخست تحلیل سازمان‌های هنری و رویدادهای وابسته به آن‌ها ظهور نهاد و یا سازمان از لابه‌لای متون و اسناد سازمانی موجود خوانش و تحلیل می‌شود. سپس در سطح کردار گفتمانی و اجتماعی فرایندهای عملیاتی‌سازی تغییر مورد بررسی قرار می‌گیرند. جهت جامع بودن پژوهش بررسی رویدادها و کنش‌های انتقادی و پادهژمونیک در فاز آخر ضروری است.

- سرایي، حسن، فتحي، سروش و زارع، زهرا (۱۳۸۷)، «روش کيفي در مطالعات اجتماعي با تأکيد بر روش تحليل گفتمان انتقادي»، *پژوهش نامه علوم اجتماعي*، سال دوم، شماره ۳، دانشگاه آزاد اسلامي.
- عضدانلو، حميد، (۱۳۸۰)، *گفتمان و جامعه*، تهران: نشر ني.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۹۰)، *تحليل انتقادي گفتمان*، ترجمه شايسته پيران، فاطمه، ويراستاران: محمد نبوي و مهران مهاجر، تهران: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامي، مرکز مطالعات و پژوهش هاي رسانه ها.
- قجری، حسينعلی و نظری، جواد (۱۳۹۲)، *کاربرد تحليل گفتمان در تحقيقات اجتماعي*، تهران: جامعه شناسان.
- مريدي، محمدرضا و تقی زادگان، معصومه (۱۳۹۱)، «گفتمانهای ملی هنر در ايران»، *فصلنامه انجمن مطالعات فرهنگي و ارتباطات*، شماره ۲۹، تهران: انجمن ايراني مطالعات فرهنگي و ارتباطات.
- مکدانل، دانيال (۱۳۸۰)، *مقدمه اي بر نظريه های گفتمان*، مترجم: نوذری حسينعلی، تهران: فرهنگ گفتمان.
- ميلز، سارا (۱۳۸۸)، *گفتمان*، ترجمه محمدی، فتاح، زنجان: نشر هزاره سوم.
- نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۵)، *بينامتنيت از ساختارگرایی تا پسامدرنيسم نظريه ها و کاربردها*، تهران: سخن.
- وان دايک، تون آدریانوس (۱۳۸۲)، *مطالعاتي در تحليل گفتمان (از دستور متن تا گفتمان کاي انتقادي)*، گروه مترجمان: ايزدی، پيروز و ديگران، مرکز مطالعات و تحقيقات رسانه ها، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
- يورگنسن، ماريان و فيليپس، لوييز (۱۳۸۹)، *نظريه و روش در تحليل گفتمان*، به اهتمام هادی جلیلی، تهران: نشر ني.
- Carpentier, Nico, Spinoy, Erik, (2008), *Discourse theory and cultural analysis: media, arts and literature*. Hampton Press.
- Fairclough, Norman (1992), *Critical Language Awareness*, London, Longman.
- _____ (1989), *Language and power*, London, Longman.
- _____ (1995), *Media Discourse*, Hodder Arnold, London.
- _____ (2010), *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, Taylor and Francis, Longman, USA
- _____ (2001), *Critical Discourse analysis as A Method in Social Scientific Research*, in Wodak, Ruth & Meyer, Michael (2001a), *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE Publications, London, Thousand, New Delhi, First Published PP: 121- 139
- Heracleous, Loizos (2006), *Discourse, Interpretation, Organization*, Cambridge University Press,

UK

- Howarth, David (1998), *Discourse Theory and Political Analysis*, in: Elinor Scarbrough and Eric Tanenbaum (eds), (1998), *Research Strategies in the Social Sciences*, Oxford: Oxford University Press, 268–293.
- Klein, Julie Thompson, and H. Newell. William, (1997), *Advancing Interdisciplinary Studies*, In book: *Handbook of the Undergraduate Curriculum: Comprehensive Guide to Purposes, Structures, Practices, and Change*, Edition: 1st, Chapter: 19, Publisher: Jossey-Bass, Editors: Jerry Gaff and James Ratcliff.
- Laclau, E. and Mouffe, C. (1985), *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Discourse Politics*, Verso, London, UK
- Mayr, Andrea (2008), *Language and Power; an Introduction to Institutional Discourse*, Continuum, UK
- Meyer, M. (2001), *Between Theory, Method and Politics: Positioning of The Approaches to CDA*, In Ruth Wodak and Michael Meyer (ed.), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London, Sage PP: 14 -31.
- Meyer, M, Wodak, R. (2015), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London, Sage.
- Newman, I. & Benz, C. R. (1998) *Qualitative-Quantitative Research Methodology: Exploring the interactive continuum*, Carbondale: Southern Illinois University Press.
- Phillips, Nelson, Lawrence, Thomas B., Hardy Cynthia (2004), *"Discourse and Institutions"*, *The Academy of Management Review*, 29:635
- Wodak, Ruth & Meyer, Michael (2001a), *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE Publications, London, Thousand, New Delhi, First Published
- Wodak, Ruth (2001a), *What CDA is About- A Summary of Its History*, Important Concepts and Its Development, in Wodak, Ruth & Meyer, Michael, *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE Publications, London, Thousand, New Delhi, First Published PP:1-13
- Wodak, Ruth (2001b), *The Discourse-Historical Approach*, in Wodak, Ruth & Meyer, Michael, *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE Publications, London, Thousand, New Delhi, First Published, PP: 63- 94.